

باید ها و نباید های سهمیه بندی بنزین



در ادامه بررسی مسایل پیرامون موضوع بنزین به سراغ آقای دکتر حسین آفریده، دارای درجه دکترا در رشته انرژی هسته ای، مدرس دانشگاه صنعتی امیرکبیر در مقاطع دکترا و کارشناسی ارشد، رئیس کمیسیون انرژی در مجلس ششم و عضو کمیسیون انرژی در مجلس هفتم و همچنین کارشناس آژانس بین المللی انرژی اتمی و از همه مهمتر نماینده محترم مردم شیروان از خراسان شمالی.

توضیحات آقای آفریده را می خوانید.

بر این که قیمت ها هر سال یک افزایش ۱۰ درصدی داشت.

با آغاز به کار دولت نهم و دکتر احمدی نژاد، هدف این بود که قیمت ها ثابت نگهداشته شوند که در این فرآیند موضوع کارت هوشمند فراموش شد. درست همان زمان ما با مخالفت گفتیم شما با ثابت گذاشتن قیمت ها فکر نکنید که تورم را کنترل می کنید، افزایش تورم دلیل های مختلفی دارد. نمی شود با افزایش ندادن قیمت ها تورم را مهار کرده یا کم کرد، که در عمل نیز این مساله ثابت شد و با وجود افزایش ندادن قیمت ها، تورم گسترش پیدا کرد. دولت مجدداً به این فکر افتاد که قیمت ها را نباید ثابت نگه داشت، این بود که صحبت از کارت هوشمند دوباره جدی تر شد.

همان زمان ما در کمیسیون به دولت گفتیم که این موضوع قبلاً مصوب شده و بالاخره دولت و در نهایت وزارت نفت قبول کردند که باید به

سوخت را پیشنهاد داده و مصوب کردیم تا به این طریق بتوان اطلاعات انرژی را دریافت کرد. البته آن زمان چند فکر مطرح بود، یکی این که قیمت ها باید مانند قیمت های منطقه باشد تا قاچاق صورت نگیرد که اگر این اتفاق می افتاد تورم شدیدی یک مرتبه حاصل می شد و نظام آن را نمی پسندید. اصلاً نمی دانستیم چقدر تعداد خودرو در داخل کشور موجود است و میزان مصرف و قاچاق چقدر است.

این بود که دولت را ملزم کردیم تا کارت هوشمند را اجرایی کند و هیچ حرفی از سهمیه نزدیکیم که تمام این موضوعات مربوط به سال دوم مجلس ششم بود. دولت وقت مساله را جزئی و سطحی در نظر گرفت و اساساً موضوع کارت هوشمند را جدی نگرفت، ما هم این موضوع را سال به سال در بودجه در نظر گرفتیم تا این که رسید به مجلس هفتم.

مجلس هفتم نیز تثبیت قیمت ها را لحاظ کرد. قبل از مجلس هفتم همیشه یک روند حاکم بود مبنی

مردم ایران بیش از ۴۵ میلیارد دلار بارانه انرژی مصرف می کنند. این رقم معادل سه برابر بودجه های عمرانی کشور است.

در واقع می توان گفت: ایرانی ها ۸ برابر کشورهای مشابه خودشان انرژی مصرف می کنند. البته سرانه این ارقام به هیچ عنوان قابل تحمل نیست. در واقع این آمارها برای کشور خطرناک است و اگر به همین شکل ادامه پیدا کند، جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۹۰ هیچ نفتی برای صادرات نخواهد داشت، و چه بسا به واردات نیز اقدام کند. لذا باید تدبیری اندیشیده می شد.

در مجلس ششم می دیدیم روند مصرف سوخت بالا است از دولت سوال می کردیم چه مقدار از فرآورده ها در داخل مصرف و چقدر قاچاق می شود، که متوجه شدیم دولت در این زمینه هیچ اطلاعاتی ندارد.

در آن دوره بنده رئیس کمیسیون انرژی مجلس بودم، با همکاران به فکر راهکار بودیم تا این که کارت

صورت جدی اقدام کرد.
 در همین حال یکسری آمار اعلام می‌کنم که می‌تواند بسیار مفید باشد.
 آمارگیری از ۳ میلیون و ۶۴۸ هزار خودرو در حد فاصل ۱۰ اردیبهشت تا ۱۰ خرداد سال ۱۳۸۶ گویای این است که در این ایام متوسط مصرف سواری‌های کشور ۱۳۵ لیتر بوده به طوری که:
 ۲۷ درصد از خودروها کمتر از ۵۰ لیتر
 ۲۷ درصد دیگر بین ۵۰ تا ۱۰۰ لیتر
 ۱۶/۵ درصد بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ لیتر
 ۱۰ درصد بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ لیتر
 ۱۰ درصد بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ لیتر
 ۶/۷ درصد بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ لیتر
 ۱/۷ درصد بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ لیتر
 مصرف داشتند، مابقی نیز رقم کمی است که به یک درصد نمی‌رسد. با این حساب ۵۴ درصد مردم

دولت‌ها و کشورها. دولت باید به مردم تسهیلات می‌داد تا مردم می‌توانستند خودرو ایمن با مصرف کم وارد کنند. دولت باید برای کالاهای سرمایه‌ای تسهیلات بدهد، نه برای هزینه جاری.
 برنامه‌های دولت باید در بخش زیربنایی باشد، مثلا تعرفه را برای ماشین خوب صفر کند، برای ماشینی که زیر چهار لیتر مصرف دارد نباید تعرفه لحاظ شود. دولت اکنون موظف به مدیریت است لذا باید تدابیر ارزشمندی را عملی کند. سال قبل ۱۰ میلیارد دلار صرف واردات بنزین شد، امسال ۲/۵ میلیارد دلار واردات خواهد داشت. ۷/۵ میلیارد دلار مابقی کجا می‌رود؟
 بخشی را می‌تواند به این کارها اختصاص بدهد. مثلا به کسانی که می‌توانند خودرو زیر چهار لیتر مصرف وارد کنند، تسهیلات ارزان قیمت بدهد. این روشی است که همه‌ی کشورها انجام می‌دهند. در

طبق مصوبه مجلس، ۶۳ میلیون لیتر در اختیار دارد که می‌تواند توزیع کند. ۴۳ میلیون لیتر تولید داخل است و با رقم ۲/۵ میلیارد دلار می‌تواند روزی ۲۰ میلیون لیتر نیز خریداری کند که جمع هر دو به ۶۳ میلیون لیتر در روز می‌رسد.
 اکنون توسط کارت هوشمند از قاچاق جلوگیری شده و سرنوشت بنزین مشخص است به طور مثال قبلا که بنزین برای شهرستان شیروان حمل و بارگیری می‌شد، اصلا به شیروان نمی‌رسید و محموله بنزین به سمت مرزها قاچاق می‌شد. اکنون دیگر نمی‌شود قاچاق کرد چرا که کارت‌های هوشمند بنزین که در شهرستان شیروان است باید آن میزان بنزین را بالانس کند، تا زمانی که بنزین ۱۰۰ تومان باشد در آن سوی مرزها که در ارزان‌ترین حالت به مبلغ ۸۰۰ تا ۲ هزار تومان فروخته می‌شود، برای قاچاق حتی از مواد مخدر نیز پرسودتر است و جالب



زیر ۱۰۰ لیتر مصرف داشتند. البته لازم به ذکر است که در همین ایام، متوسط مصرف وانت ۱۶۵ لیتر در ماه بوده و تاکسی نیز ۲۲۸ لیتر مصرف داشته.
 در واقع مصرف ۳ ماه اول سال ۸۵، ۷۱ میلیون لیتر در روز بوده و در سال ۸۶ در همان سه ماه نیز ثابت مانده، البته با توجه به افزایش تولید خودرو در کشور و ورود آن به بازار مصرف که حدودا به یک میلیون دستگاه می‌رسد، مصرف همچنان ثابت مانده است. دولت تا به امروز رویه غلطی را داشته مبنی بر این که هر کس به هر مقداری که می‌خواهد می‌تواند از این ظرف استفاده کند و من، مسوول پر کردن این ظرف هستم. باید عقلانیت به خرج داد مانند سایر

این صورت صنایع داخلی نیز ملزم می‌شود تا خود را اصلاح کند. وقتی شرایطی فراهم شد که مردم تولیدات صنایع داخلی را نپسندیدند و مصرف‌کننده خودرو به ازای هر لیتر بنزین ۵۰۰ یا ۷۰۰ تومان پرداخت می‌کند، برای بنزین آزاد حتما به فکر ماشین کم مصرف خواهد بود و صنایع داخلی چاره‌ای جز اصلاح نخواهد داشت.
 ما تا به حال برای جلوگیری از قاچاق فقط درباره کارت هوشمند صحبت کرده‌ایم، حال توجه کنید اگر کارت سوخت اجباری محض باشد چه بسا مصرف به همان ۶۲ و یا ۶۳ میلیون لیتر برسد که در این صورت دولت نیازی ندارد سهمیه‌بندی کند. دولت

این که اصلا مجازات ندارد. چه کسی را برای بنزین قاچاق تا به حال مجازات کرده‌اند، فقط محموله توقیف می‌شود و طبیعی است تا زمانی که این مساله وجود دارد، مجبور هستید کارت سوخت را الزامی کنید.
 حال قاچاق کنترل می‌شود، می‌ماند مصرف داخل، چرا باید پول کشور را بدهیم به ۶/۷ درصد از مردم که ۳۰۰ لیتر تا ۵۰۰ لیتر مصرف دارند که البته اگر قرار است مصرف کنند باید پولش را بدهند. هستند کسانی که نان ندارند بخورند و در سال حتی یک وعده گوشت نمی‌خورند، به چه مجوزی حق آنها را به دیگران می‌دهیم.

آیا این عدالت است؟ این عین ظلم است. آیا به نظر شما ظلم نیست که ۱۳ میلیارد دلار از پول این کشور بابت خرید بنزین امسال و سال بعد هزینه شود. من زمان آقای خاتمی به ایشان و به خود آقای احمدی نژاد هم پیشنهاد دادم به هر نفر ۵۰ هزار تومان یارانه بدهید یا به عبارتی ۱/۵ میلیون تومان به هر خانواده چهار نفری هر سال می‌توانید بدهید بعد قیمت‌ها را واقعی‌تر کنید، دولت بیاید یارانه مستقیم به مردم بدهد.

به آقای خاتمی گفتم ایشان زیر بار نرفت، به احمدی نژاد گفتم آقای دکتر شما که صحبت از عدالت می‌کنید عدالت یعنی این.

این کاری که غربی‌ها انجام می‌دهند یعنی عدالت واقعی. آنها نه تنها قیمت تمام شده را می‌گیرند بلکه می‌گویند حال که محیط زیست را

آلوده می‌کنید هزینه آن را نیز باید بپردازید. قیمت بنزین برایشان ۶۰۰ تومان در لیتر است، ۱۴۰۰ تومان نیز مالیات می‌بندند یعنی ۲ هزار تومان حال که مصرف می‌کنی باید ۲ هزار تومان را پرداخت کنی، سپس این رقم صرف رفاه اجتماعی مردم می‌شود. از رفاه اجتماعی چه کسی بهره‌مند می‌شود، اول فقرا. بیمه بیکاری می‌دهد، بیمه تامین اجتماعی واقعی می‌دهد و جامعه خود را به درستی می‌سازد، این عین عدالت است. به دو رییس جمهور گفتم، آقای خاتمی به من گفت نمی‌توانم این کار را بکنم.

به رییس جمهوری بعدی گفتم شما با این عمل در تاریخ می‌مانید، در کشوری که ۱۰ درصد نفت جهان را دارد، ۱۸ درصد گاز دنیا را دارد، این اوضاع فقر مردم است. چرا باید به این شکل باشد؟ برای این که مدیریت نشده. من نماینده شهری هستم که

مردمش در نهایت محرومیت و رنج و عذاب هستند، اگر یارانه‌ها را هدفمند می‌کردیم اصلا کسی از روستاها به سمت شهرها حرکت نمی‌کرد و هرگز این اوضاع پیش نمی‌آمد. یک رییس جمهور توانا می‌تواند از همین جا کشور را بسازد. فقط با مدیریت انرژی است که می‌توان کشور را ساخت. در حال حاضر به دولت پیشنهاد دادم به آن ۵۴ درصد که زیر ۱۰۰ لیتر مصرف دارند، جایزه بدهند. به طور مثال ۳ میلیون تومان وام با بهره زیر ۴ درصد به افرادی که کمتر مصرف می‌کنند اختصاص دهد تا مردم تشویق شوند. دولت باید مکانیزم داشته باشد نه این که فقط از مردم بگیرد.

در مورد دست‌آویز قرار دادن موضوع کارت سوخت و سهمیه‌بندی در مجلس‌های آتی، هیچ مجلسی نمی‌تواند این موضوع را دست‌آویز قرار دهد. مشخص است اگر این کار را نکنیم، باید واردات آن هم به صورت کلان داشته باشیم. از کجا با کدام پول؟ ماشاءالله در دولت نهم این قدر بودجه جاری کشور بزرگ شده است که اگر قیمت نفت که هم اکنون ۶۰ دلار است به ۴۰ دلار برسد، کشور با مشکل جدی‌تری روبه‌رو خواهد شد. از کجا باید تامین شود؟ وقتی همه پول صرف بودجه جاری شده است و اگر قیمت نفت پایین‌تر باشد نمی‌تواند حقوق مردم را بدهد. در خصوص بنزین به نرخ آزاد باید گفت دولت در نظر دارد که قیمت بنزین همان لیتری ۱۰۰ تومان باشد و هیچ علاقه‌ای به قیمت آزاد ندارد اما این موضوع کشور را قفل می‌کند.

ساده‌ترین اتفاق مکانیزم خرید و فروش غیررسمی بنزین است که پدیدار می‌شود و این بسیار زیان‌بار است. البته توری را که بنزین آزاد ایجاد می‌کند نمی‌توان نادیده گرفت. اما به هر حال باید نگرش جامع‌تری داشته باشیم. این که صرفاً به دلیل تورم بنزین آزاد نداشته باشیم، مقوله غیر قابل قبولی است. چه بسا در آن دو سالی که افزایش قیمت بنزین نبود تورم افزایش داشت.

یک بار دیگر تاکید می‌کنم که اگر دولت در خصوص اجرایی کردن استفاده از کارت هوشمند قویا عمل کند، چه بسا شاید هیچ احتیاجی به سهمیه‌بندی نباشد. حتی در مورد گازوئیل نیز باید کارت سوخت را ادامه بدهد، یارانه‌ها را هدفمند کند، قیمت‌ها را اصلاح کند، مابه‌التفاوت را به مردم بپردازد و سطح زندگی مردم را بالا بکشد. در حال حاضر عده زیادی از مردم نه فقط زیر خط فقر که بخش عمده‌ای زیر خط ذلت هستند، این باید اصلاح شود.

